



نشریه

زن آزاد

سه شنبه - ۱۱ آذر ۱۳۹۴

۶۲

۲ دسامبر ۲۰۱۴

جنبش برابر رهایس زن



حسین صالحی

زن و مرد باهم برابرند!

درباره قانون ویژه زنان مصوب کانتون جزیره در کردستان سوریه

شهادت بر حقوق یکسان زن و مرد تأکید شده است؛ ازدواج اجباری دختران ممنوع شده است؛ معامله‌گری در ازدواج نظیر تعیین شیربها و مهریه به‌عنوان شرط ازدواج ممنوع شده است؛ بر ممنوعیت چندهمسری و رسم ارتجاعی زن به زن است تأکید شده است. خشونت و تبعیض علیه زنان ممنوع است؛ تبعیض جرم تلقی می‌شود و به‌موجب قانون مستوجب مجازات است. علیه قتل ناموسی اعلام جرم شده است؛ و از برقراری تأمین بیمه درمانی و اجتماعی برای هر فرد و به‌ویژه زنان و کودکان حرف زده شده است.

تصویب این قوانین یک دستاورد بزرگ برای زنان در کردستان سوریه و نه فقط سوریه بلکه کل منطقه محسوب می‌شود. این دستاورد ماحصل حضور زنان در عرصه‌های مختلف مبارزه به‌ویژه حضور درخشان زنان در مقاومت قهرمانانه مردم کوبانی است. دستاوردی که در دل مبارزه با ارتجاع سیاه اسلامی داعش به‌دست آمده است ولی قوانین شریعه اسلامی و همه مدافعین اسلام و همچنین باورهای ضد زن جریانات ناسیونالیستی را عملاً به چالش می‌کشد.

واقعیت این است که در بیشتر کشورهای عربی دول ارتجاعی با تکیه‌بر قوانین شریعه حقوق زنان را پایمال می‌کنند. دولت سوریه هم از این قاعده مستثنا نبوده است. به‌عنوان مثال در اولین ماده از قانون حاکم بر احوال شخصیّه مصوب سال ۱۹۵۳ در مورد قرارداد ازدواج بر همخوانی با قوانین

دور از انتظار نبود که اسلامی‌ها علیه تصویب قانون کانتون خودگردان جزیره در کردستان سوریه که برابری زن و مرد در همه حوزه‌ها را اعلام می‌کند، واکنش خصمانه نشان دهند. چراکه زن در اسلام مقامی آشکارا پست‌تر از مرد دارد و بسیاری از حقوق خاص مردان است و زنان از آن‌ها محروم‌اند. چندی پیشی بود حتی اسلامی‌هایی که از نظر دول غربی "خوش خیم تر" قلمداد می‌شوند از زبان اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه با تکیه‌بر استدلال نخ نمای "زن و مرد به لحاظ طبیعی باهم برابر نیستند" تلاش کردند که ستمگری جنسی بر زنان را توجیه کنند.

باینکه در قوانین مصوبه کانتون جزیره بندی مبنی بر ممنوعیت به‌کارگیری قوانین اسلامی و دین در زندگی اجتماعی و در خانواده و یا جدائی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش نیست ولی همه بندهای برابری طلبانه و پیشرو آن ضربه مهلکی است بر اسلام و به‌کارگیری قوانین شریعه اسلامی که در منطقه از سوی دول و نیروهای مرتجع حمایت می‌شود. بگذارید بر جایگاه و اهمیت تصویب و به اجرا گذاشتن چنین قوانینی در کانتون خودگردان جزیره مرور کوتاهی داشته باشیم.

قوانین کانتون جزیره درباره زنان من جمله بر برابری زن و مرد در قلمرو عمومی و خصوصی و اشتغال تأکید دارد؛ زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در ارگان‌های مختلف اداره جامعه را دارند؛ حقوق برابر زنان و مردان در زمینه‌ی کار و دستمزد به رسمیت شناخته شده است؛ در وراثت و ادای

گرفته است حتی اگر خوشبخت هم باشد طبق این رسم باید از همدیگر بپاشد. قوانین مصوب کانون جزیره علیه این رسوم و همچنین شیوع قتل‌های ناموسی اعلام جنگ می‌کند و آن‌ها را غدغن می‌سازد و مبارزه علیه تفکرات واپسگرایانه در جامعه را امر و وظیفه خود می‌داند.

قوانین مصوب کانتون جزیره درباره زنان یک‌بار دیگر خط بطلانی می‌کشد بر نظریه نسبیت فرهنگی که قوانین اسلامی و ارتجاعی زن‌ستیز حاکم در کشورهای نظیر ایران و سوریه را به فرهنگ خودی زنان و نه یک امر تحمیلی یعنی ستم و سرکوب دولتی مرتبط می‌سازد. قوانین جزیره شاهد دیگری است بر جهان‌شمول بودن حقوق و خواست‌های زنان. اینکه در لندن، استکهلم، جزیره و تهران زنان و خواست‌هایشان یکی است و در همه جا لغو هرگونه تبعیض و نابرابری جنسی و مساوات بین زن و مرد را طلب می‌کنند.

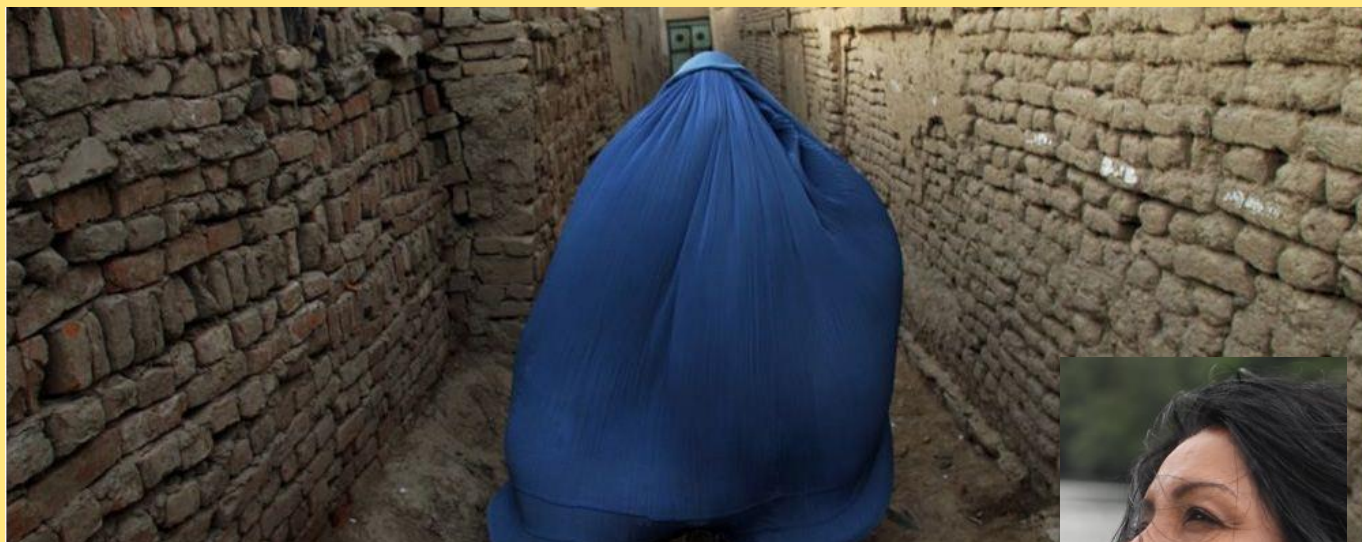
قانون ویژه زنان جزیره اما از کمبودها و خطاهایی نیز رنج می‌برد. این قانون به اندازه کافی درباره طلاق روشن نیست و لازم است در آن با صراحت بر حق و بی‌قیدوشرط جدایی برای زن و مرد تأکید شود. در این قانون آنچه «خیانت» در رابطه زناشویی نامیده شده جرم جنایی شناخته شده و برای زن و مردی که مرتکب به این عمل شوند «مجازات شدید» تعیین شده است. این بند کاملاً ارتجاعی است. هیچ مرجعی اعم از نهادها و مراجع رسمی و یا حتی بستگان و اطرافیان مجاز نیست در زندگی خصوصی و روابط شخصی و عاطفی و جنسی انسان‌ها دخالت کند. دربند دیگری زنان حق تشکیل سازمان‌های متعدد را دارند به شرط اینکه «با تعهدات اجتماعی منافات نداشته باشند». این هم بند نادرستی است. یک دوجین دولت‌ها با چنین شرط و شروطهایی تلاش می‌کنند زنان را در کنج خانه نگاه دارند و از امکان مشارکت برابر آن‌ها در حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جلوگیری کنند. موارد دیگری هم وجود دارد که قوانین جزیره در مورد آن سکوت کرده است. من جمله سبک کردن بار کار خانگی از دوش زنان، به‌ویژه زنان کارگر و زحمتکش و زنان روستایی تا اینکه زنان امکان یابند به آموزش و تربیت خود بپردازند و در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه نقش فعال‌تری داشته باشند.

در شرایط کنونی ضروری است که همه انسان‌های آزادیخواه و مدافعین حقوق زن از قوانین برابری طلبانه کانتون جزیره به‌ویژه در مقابل تقلاهای اسلامی‌ها حمایت کنند. تصویب و اجرای این قوانین درچه‌ای را باز می‌کند که زنان و مردان ساکن این مناطق برای تأمین یک زندگی انسانی قدم به عرصه‌های دیگر هم بگذارند و درزمینه‌ی حقوق کودک، قوانین کار و رفاه اجتماعی، حقوق و آزادی‌های فردی و مدنی و ... قوانین پیشرو متریقی دیگری تصویب کنند. وظیفه ماست که با حمایت جهانی از این قوانین و پیشبرد دیالوگ سازنده راه را برای پیشروهای بیشتر هموار کنیم.*

شریعه تأکید شده است. در همان قانون چندمتریقی تحت شرایط ویژه‌ای به رسمیت شناخته شده است. مطابق این قانون زن برای طلاق باید کلی دلیل بیاورد ولی مرد می‌تواند بدون هیچ دلیلی به‌طور یک‌جانبه جدا شود. همچنین طبق قوانین کیفری مصوب سال ۱۹۴۹ همه موارد خشونت علیه زنان قابل مجازات نیستند. در قانون تابعیت نیز فرزند زنی که همسر خارجی داشته باشد به‌طور اتوماتیک از تابعیت کشوری برخوردار نیست این در حالی است که اگر مردی زن خارجی داشته باشد تابعیت آن تضمین شده است. در مقابل چنین قوانین ارتجاعی و مردسالار قوانین ویژه زنان کانتون خودگردان جزیره در کردستان سوریه به‌طور قطع یک پیشروی بزرگ است.

از طرف دیگر تصویب این قوانین درعین حال در مقابل همه اهداف و سیاست‌های جریان ناسیونالیسم کرد است که حقوق زنان سنتاً جایی در دیدگاه‌های آن‌ها نداشته و در این عرصه اساساً مدافع ارتجاع و واپس‌گرایی است. ناسیونالیسم کرد همواره تحت عنوان اینکه جامعه کردستان یک جامعه سنتی و یا اسلامی است از باورها و سنت‌های مردسالار حمایت کرده و در مقابل رشد و تعالی زنان در جامعه و حقوق برابر آن‌ها سنگ انداخته است. دل‌بستگی این جریانات بیشتر به کهنه‌پرستی و اسلامی‌گری و مردسالاری است تا اینکه برای امر رهایی زن کاری کنند. به‌عنوان مثال در کردستان عراق که ناسیونالیست‌های کرد در حاکمیت هستند باوجود مخالفت و اعتراضات گسترده از طرف فعالین جنبش زنان و مردم آزادیخواه و سکولار، پارلمان کردستان در سال ۲۰۰۸ قانون چندمتریقی را تصویب کرد. این قانون آشکار و بی‌پرده بی‌حقوقی و اسارت زنان در جامعه را تثبیت می‌کند و حقوق ابتدائی زنان را زیر پا می‌گذارد و شرایط برده‌وار و تبعیض جنسی علیه زنان را در همه شئون زندگی برجسته می‌کند. قانون مذکور به مردان حق می‌دهد که بیشتر از یک زن داشته باشند، و مردان را به‌عنوان ولی امر به زنان تحمیل می‌کند، انقیاد زنان را در متن خریدوفروش آنان و در متن ازدواج، طلاق، ارث برجسته می‌کند. این قانون تبعیض جنسی را که مبنای آن شریعت اسلامی است علیه زنان اعمال می‌کند. تصویب چنین قوانین ظالمانه علیه زنان توسط جریانات قومی مسلط بر پارلمان کردستان یکی از نمونه‌های متعدد عملکرد ناسیونالیسم کرد در ضدیت با زنان است. قانون ویژه زنان در منطقه جزیره از این نظر نماینده خواستی انسانی و برابر طلبانه در مقابل گنداب ناسیونالیسم کرد است.

در کردستان آداب و رسوم کهنه مردسالار نظیر رسم زن به زن قدمت طولانی دارند و متأسفانه این رسوم در برخی نواحی روستایی همچنان به حیات خود ادامه می‌دهند. مطابق رسم زن به زن وقتی زنی همسر مردی می‌شود در همان حال باید متقابلاً زنی از خانواده مرد همسری مردی از خانواده زن شود. این‌یک معامله‌گری ارتجاعی است که همه حقوق و اختیارات زن را نقض می‌کند. بعد از چنین ازدواج اجباری حتی اگر یکی از خانواده‌ها زندگی‌اش از هم بپاشد، خانواده‌ی دومی که این زن به زن در آن صورت



تحلیل پیرامون "سمپوزیوم حقوق و توانمندسازی زنان افغان"

کبری سلطانر

هویت و شخصیتش بود، با رسیدن همسر به قدرت یک شبه از او گرفته شود و نام بی بی گل (لقب افغانی) به او تحمیل شود را در سکوت پذیرفت. در جوامع طبقاتی مذهبی و مردسالار باورهای مردسالارانه خیلی به زرنگی به خورد انسان‌های آن جوامع داده می‌شود. هر چه این جوامع عقب مانده تر و بیشتر تحت تأثیر فرهنگ مذاهب و سنت‌های عقب مانده قرار داشته باشد، این باورها قابل دید تر و خشن تر می‌گردد؛ بنابراین چون رولا غنی دقیقاً در همچون وضعیتی قرار می‌گیرد و جز تمکین دیگر راهی را نمی‌تواند در پیش گیرد. از آنجایی که ساختارهای سیاسی، اجتماعی و تاریخی یک جامعه مردسالار همواره از موقعیت جنس برتر یا جنس اول یعنی جنس مرد تعریف می‌شود و زنان (به عنوان جنس دوم) ناچار از پذیرش این ساختار است در بسیار مواقع زنان نیز به نوعی در باز تولید این ارزش‌ها سهم می‌گیرند. باید متذکر شوم که باورهای مردسالاری فقط ویژه افغانستان نبوده، بلکه به اشکال مختلف در کشورهای دیگر کمرنگ تر قابل دید است. خانم رولا با وجودیکه با اصلیت لبنانی در غرب (امریکا) بسر برده است، با آن هم به خاطر مصلحت یا به دلیل پذیرش و تمکین به باورهای مردسالار حاکم لب به سخن گفتن باز نکرد.

رولا غنی خواستار ابزارهای واقعی قدرت برای زنان است. ابزارهای واقعی قدرت از نظر رولا غنی حمایت بین‌المللی از زنان افغان، کمک‌های ۲۱۶ میلیون دلاری امریکا برای بهبود وضع زنان افغان، حضور زنان در مجلس و رده‌های مدیریتی بالاتر و ام‌های بانکی و... است. اولین ابزارهای واقعی قدرت برای زنان با در نظر داشت دین اسلام که دین رسمی افغانستان است و دولت وحدت ملی افغانستان دولت اسلامی است و در اولین روزهای تکیه بر قدرت آقای اشرف غنی اذعان نمود که فاصله دولت و مساجد را

در تاریخ ۲۳ نوامبر سال ۲۰۱۴ سمپوزیوم به نام حقوق و توانمندسازی زنان افغان از طرف سفارت افغانستان در ناروی راه انداخته شده بود. در این سمپوزیوم رولا غنی (بی بی گل) احمد زی، سیما سمر، رئیس کمیسیون حقوق بشر، حسن بانو غضنفر سرپرست وزارت امور زنان، فوزیه کوفی نماینده مجلس، انار کلی هنر یار عضو مجلس سنا و منیژه باختری سفیر افغانستان در ناروی و جمع دیگر زنان افغانستانی در ناروی اشتراک داشتند. گردهمایی "سمپوزیوم زنان افغان حقوق و توانمندسازی"، دومین گردهمایی بین‌المللی از این نوع است که در اسلو برگزار شده، اولین سمپوزیوم سال گذشته در دانشگاه جورج تاون آمریکا برگزار شده بود. در این تبصره کوشش می‌کنم، به نکاتی مکتب کنم که بیشتر در تناقض با این سمپوزیوم و سر خط آن است.

این اولین بار است که بانوی اول افغانستان در یک گردهمایی بین‌المللی حضور می‌یابد و سخنرانی می‌کند. رولا غنی در سخنرانی‌اش می‌گوید: زنان این کشور باید به ابزارهای واقعی قدرت در عرصه‌های مختلف دسترسی داشته باشند تا بتوانند جایگاه واقعی خود را در جامعه باز یابند.

خانم رولا سعاده غنی، در شهر بیروت، پایتخت لبنان به دنیا آمده است، در دانشگاه آمریکایی بیروت درس خوانده و در رشته روزنامه‌نگاری لیسانس دارد و در روابط بین‌الملل تا مقطع فوق لیسانس تحصیل کرده است. زمانی که دولت وحدت ملی به میانجی‌گری جان کری بعد از ماه‌ها مناقشه شکل گرفت. یکی از اقدامات احمد زی دادن اسم جدید یا لقب افغانی (بی بی گل) به همسرش رولا سعاده بود. خانم رولا با پیشانی باز و سکوت این تعرض را پذیرفت. سؤال اینکه، خانم رولا غنی چطور توانست اسمی را که سال‌ها جز



نزدیک تر می سازد به بررسی می گیریم.

دین با آزادی زن خوانائی ندارد.

حضور زن در اجتماع کاملاً در تضاد با مذهب اسلام است سوره النور آیه ۳۱؛ و در خانه های تان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودآرائی نکنید... یکی از ویژگی های حکومت های اسلامی حذف و یا محدود نمودن زنان از اجتماع است. چندهمسری، مقید ساختن زن در خانه، تمکین بر خواسته های شوهران، تحمیل حجاب، بهره کشی از کار جسمی یا خانگی و سرکوب زنان، نشانه این سیاست های دولت های اسلامی ضد زن است. سیاست ضد زن در جوامع اسلامی به طور مستقیم منبع قرآنی دارد. مبنای قرآنی، منبع مستقیم و منشأ الهام بخش قوانین و سیاست ها و رسوم و تبعیض و رفتارهای ضد زن در جامعه است، آیات قرآن تأکید بر به مهار کشیدن نیروی زنان و بندگی اجتماعی و روحی زن بوده است. روشنفکرانی هستند که آزادی زن را در چهارچوب دین اسلام ابلاغ می کنند. مثل رولا غنی که در سخنرانی اش از خدیجه و عایشه، همسران پیامبر و فاطمه و زینب دختر و نوه او، به عنوان چهره های برجسته در تاریخ اسلام یاد کرده و به اصطلاح با این کلام حضور زن را در جامعه اسلامی تأیید کرده است. طوری که به همه هویداست، ازدواج های محمد بیشتر به دلیل سیاسی، اجتماعی و یا احساسی و عاشقانه بوده و از میان تمام زنان رسمی اش نسبت به عایشه علاقه داشته است. تا زمانی که خدیجه زنده بود محمد تک همسر بود ولی پس از مرگ خدیجه در ۶۱۹ میلادی و ورود پیغمبر به مدینه و تحکیم قدرتش دوران چندهمسری اش آغاز شد و از میان یازده زن پیغمبر، عایشه دختر ابوبکر که از شش سالگی برای محمد در نظر گرفته شده بود بالاخره در سن ۹ سالگی به عنوان سومین زن به ازدواج محمد که بیش از پنجاه سال داشت درآمد. این مبلغین آزادی اسلامی زن در نهایت به یک فمینیسم اسلامی پایان خواهد یافت و که نتیجه ی آن جز یک زن در اسارت و خرافه و باحجاب نمی تواند چیزی دیگری باشد. در حالی که من فکر می کنم یکی از شروط رهایی زن و حضور زن در جامعه ایجاد دولت های سکولار و جدایی دین از دولت است. چه بسا خشونت ها و انقیاد زنان در افغانستان با صدور آیات مجوز داده میشود.

نکته دیگر تأیید رولا غنی بر ابزار واقعی قدرت بر زنان حضور زنان در مجلس و رده های مدیریتی بالاتر می باشد!

برای زن افغان تا به امروز آزادی به شکل واقعی آن وجود نداشته و حضور اجتماعی و سیاسی زن در جامعه زیر سؤال است. بلندگوهای مساجد همواره مردان را به ضرب و شتم زنانشان برای حفظ قدرت مردسالاری تشویق می کنند. مردان در شهر و ولایات زنانشان را گوش و بینی می برند، ملاها به کودکان و دختران در نقاط مختلف کشور تجاوز می کنند، خشونت در مقابل زنان به شکل فجیع آن جریان دارد. از طرفی از سیاست های دولت وحدت

ملی بنیادگرایان در پیشبرد اهدافشان استفاده می کنند در این اواخر ما شاهد انتحاری های پی در پی در سراسر افغانستان هستیم که بیشترین قربانیان آن زنان و اطفال هستند. زنان افغانستان شدیداً نیاز به آگاهی دارند. عقب ماندگی فرهنگی، بی سواد و باورهای مذهبی از جمله عوامل هستند که زنان افغانستان را نه تنها در محدوده مرزهایی افغانستان نابود کرده، بلکه سرنوشت زنان را در کشورهای خارج از افغانستان نیز سایه وار تعقیب می کند. زنان افغان علیرغم سال ها زندگی در کشورهای میزبان به سبب فشارهای موجود در خانواده و حفظ فرهنگ و سنت های عقب مانده و مردسالار قادر به تکلم زبان کشور میزبان نیستند. ما شاهد حضور زنان زیادی در پارلمان سنا و وزارتخانه ها در زمان کرزی بودیم. بودن سمبولیک این زنان در قدرت چه دردی را مداوا کرد؟ وحشیانه ترین قوانین ضد زن تازه در حضور همین زنان در قدرت از طرف بنیادگرایان اسلامی طرح و تصویب شد. خانم رولا فراموش کردند که تصویب قانون احوال شخصیه اهل تشیع توسط کرزی و شورای علمای اهل شیعه با کامل کردن آپارتاید جنسی در سراسر افغانستان خواهان جدا شدن اماکن آموزشی، کار، خرید و فروش و حتی ممنوعیت مسافرت زنان بدون محرمان را طرح کرده و بدین طریق قوانین شرع و احکام نبوی که در خلقت بشر مرد اصل و زن فرع می باشد. مضاف بر آن، پیروی از مردان است را نهادینه کردند. قانون منع خشونت علیه زنان در افغانستان که به منظور دفاع و اعاده حیثیت برای زن افغانستانی پس از ۳ یا ۴ سال فشار، جدال و مشقت از طرف حامد کرزی تصویب گردید. این قانون جهت نهایی شدن به مجلس افغانستان راجع شد. ملا ترخیل محمدی و یک چندی دیگر از نمایندگان مجلس که تا دندان مردسالار و خشونت پیشه اند، با توجیه اینکه تصویب این قانون مغایر ارزش های اسلامی است از تصویب نهایی آن سرباز زدند و بالاخره تصویب این قانون پای در هوا باقی ماند.

اگر قرار باشد زن افغانستانی تابوهای جنسیتی را بشکنند، باید با آگاهی و توانایی در سمت ها قرار بگیرند. در غیر آن از وجود زنان مطیع و گوش به فرمان تغییر مثبتی در وضعیت زنان ایجاد نخواهد شد، بلکه حتی خطرناک نیز خواهد بود. اگر خانم رولا از بودن فقط ۳ وزیر زن (خانم ثریا دلیل، آمنه افضلی و دکتر حسن بانو غضنفر) اظهار رضایت می کند، چنین زنانی به مراتب مطیع تر و مراقب تر برای حفظ منصب سیاسی خود هستند. از طرف دیگر هم این زنان ویتترین های خوبی خواهند بود در مجامع حقوق بشری برای شکستن صدای اعتراض زنان در مورد خشونت ها و تبعیضات علیه زنان این زنان وزیر تیغ های دو لبه ای هستند که هم در عرصه حقوق بشر به دولت وحدت ملی کمک می کنند و هم در مجالس برایشان وقت داده خواهد شد که به نمایندگی زنان زیر ستم افغانستانی سخن بگویند. خانم رولا از زنانی طبقات بالای افغانستانی چون گوهرشاد بیگم، رابعه بلخی، عایشه درانی و ملکه ثریا، مثال میاورد، در این سمپوزیوم

به طور کلی، در دوره دوران ظاهر شاه و داود زنان به درجه‌ای از آزادی دست یافتند اما باروی کار آمدن مجاهدین و طالبان صحنه دگرگون شد. حضور بنیادگرایان طالبی نه تنها دوره خشونت و رکود برای زنان بود، بلکه یک دوره بحرانی و سیاهی بود که افغانستان را چندین دهه به عقب راند.

گزارش‌های هرساله سازمان ملل افغانستان را خطرناک‌ترین و بدترین مکان برای زندگی زنان می‌نامند. این اولین بار نیست که غرب با پول نوید بهتر شدن وضعیت زنان را در افغانستان دیکته می‌کند، ولی نتیجه به جز پر کردن حساب بانکی‌های طرفین، دیگر تحولی در بهبود در وضع زنان نخواهد داشت.

خانم رولا در ذهن زنان خسته از خشونت افغانستان رویای جهان زیبا و عاری از خشونت را با گفتن کلمات زیبایی چون "باید به زنان وام دهیم تا بتوانند تجارت مستقل خود را داشته باشند، خدمات بهداشتی و کیفیت آموزشی را بهتر کنیم، حمایت‌های قانونی وجود داشته باشد که زنان بتوانند از حق مالکیت خود استفاده کنند و مورد خشونت قرار نگیرند را زیبا تجسم داد..."

با وجود این رویاهای زرین خانم رولا بر زنان دربرند افغانستان است که در داخل یا خارج از مرزهای افغانستان باید آرام ننشسته و با تمام نیرو و توانشان در به زیر کشیدن اوها و خرافات و قوانین عصر حجر و بربریت و توخس که نسل به نسل بر آنان تحمیل شده و هر روز با هزاران ابزار برای تولید و بازتولید آن تلاش صورت می‌گیرد مبارزه و تلاش نمایند. زنان آگاه همگام با مردان آزادیخواه کوشش نمایند تا برای شکستن تابوهای مذهبی، بی حقوقی زنان، سادیسم فکری و جنسی ملا، مجاهد و رهبران مذهبی سیاسی جامعه مردسالار فاسد و طبقاتی افغانستان منسجم شوند و در ضمن برای برچیدن مدارس مذهبی و ایجاد موانع در راه پخش افکار و عقاید بنیادگرایی مذهبی کار نمایند. این مبارزات خیلی شکننده و دشوار است ولی با تأسف جز در هم شکستن و به گورستان سپردن سیستم و دولتی اسلامی با ساختار فاسد مافیایی وحدت ملی در افغانستان را با تمام افکار و باورهای قرون وسطایی طالبانی، جهادی و امثال آن وجود ندارد.

جنبش زنان در افغانستان بخش جدایی‌ناپذیر از جنبش‌های زن در منطقه و جهان است، گر چه وضعیت زنان در افغانستان با سایر زنان منطقه و جهان قابل مقایسه نیست، ولی با آن هم در صورت عدم مقاومت در مقابل متحجرین طالبانی - جهادی و اخوانی که همچون هیولایی در منطقه سر بیرون آورده‌اند و با همکاری غیرمستقیم سیستم فاسد سرمایه‌داری که آن‌ها را تجدید حیات می‌کند؛ زندگی نیمی از جمعیت منطقه به تباهی کشیده خواهد شد. مسئله زن یک مسئله انسانی است. این مبارزه به خاطر آزادی و برابری جنسی و نژادی و رنگ پوست و آزادی بیان و غیره ویژه زنان نبوده بلکه وظیفه تمام انسان‌های آزاد، مترقی و سوسیالیست می‌باشد.*

تمام شرکت‌کنندگان از رویاهای زیبایی زنان طبقات بالایی در آینده سخن گفتند. از زانی که از اثر خشونت‌های خانگی، اجتماعی و دولتی با کودکانشان سال‌هاست در زندان انواع دیگر خشونت را تجربه می‌کنند حرفی زده نشد. خانم رولا نگفت که میلیون‌ها دلار آمریکایی کدام درد دختر خیابانی افغان را که روز چندین بار تجاوز می‌شود و حتی از بخت نگوشتان پدر و مادری نیست که فریادشان را بشنوند را دوا می‌کند. خانم رولا می‌گوید: بهبود وضعیت زنان در سیزده سال گذشته، از مهم‌ترین برنامه‌های دولت افغانستان و حامیان بین‌المللی این کشور بوده است. در حالی که ما شاهد بدترین خشونت‌ها در مورد زنان در این دور سیزده‌ساله بودیم. آمنة و سایر امثال آمنة‌ها سنگسار شدند، زنان مثله شدند، زنان بر ملا فروخته شدند کودکان سه‌ساله تجاوز شدند زنان از خشونت فرار کرده دوباره زندانی شدند. نمی‌دانم از کدام بهبود وضعیت زنان خانم رولا صحبت می‌کند. معیار وضعیت زنان را ما از زمان طالبان می‌سنجیم ۸۰ سال پیش‌تر از امروز بعد از کشته شدن حبیب‌الله، امان‌الله زمام امور را به دست گرفت که می‌شود گفت سرآغاز نهضت زنان افغان از همین زمان بود. اصلاحات عمده‌ای که می‌توان از آن نام برد عبارت بودند از:

یک- ایجاد امکان تحصیل برای دختران تا درجه ابتدایی مانند پسران.

دو- لغو قانون تعدد ازوج، منع نکاح دختران زیر ۱۶ سال، از بین بردن بردگی خانگی، اعزام اولین گروه از دختران دانشجو به کشورهای اروپایی و ترکیه.

در سال ۱۹۲۰ اولین بار انجمن حمایت نسوان به سرپرستی کبرا خواهر امان‌الله به خاطر حفظ حرمت زنان در داخل خانه در مقابل همسرانشان دایر گردید، نخستین مکتب ابتدایی مخصوص خانم‌ها به نام مستورات دایر شد. در ۱۷ مارس ۱۹۲۱ نخستین شماره مجله زنان به نام ارشادالنسوان منتشر شد. محتوای این مجله در مورد آزادی‌های نسبی زنان بود که تا سال ۱۹۲۵ ادامه داشت. در سال ۱۹۲۷ امان‌الله و زنش ملکه ثریا به کشورهای ترکیه، ایران روسیه، انگلیس، آلمان، فرانسه، ایتالیا، مصر و هندوستان سفر کرد که بعد از بازگشت به کشور سنت‌گرایی و تعصبات سران قبایل را به انتقاد گرفت و در جهت بازسازی و ارتقای کشور گام برداشت؛ اما اصلاحات او به‌ویژه در رابطه با زنان، اعتراضات زیادی را سبب شد. "مجددی"ها که از بانفوذترین خانواده‌های روحانی شهر کابل بودند، فتوای کفر شاه را با عکس‌هایی از ملکه را که برقع خود را کنار زده بود به دستخط ۴۰۰ تن از علمای دینی در سراسر افغانستان فرستاد بدین ترتیب ارتجاع مذهبی توانست با تحریک احساسات مذهبی مردم، مردم را به شورش وادارد، این شرایط تقریباً تا یک سال بعد تبعید امان‌الله و خانمش و روی کار آمدن نادرشاه ادامه یافت. در این دوره نیز که پس از برقراری یک ثبات نسبی، زمینه ورود دختران پایتخت به مدارس میسر بود.



آیت الله اردوغان و دفاع صریح از تبعیض علیه زنان

سهلا دانشفر



مردم خواهد آورد.

گفته‌های اردوغان اساس و جوهر احکام قرآن و قوانین ارتجاعی اسلامی را بیان می‌کند. از خمینی گرفته تا طالبان و مرسی و اردوغان همه و همه با همین زبان خطاب به زنان و جامعه سخن می‌گویند و چنین گفته‌هایی موضوع هرروز خطبه‌های نماز جمعه‌ها و مساجد است. نزد همه مذاهب و جریان‌های مردسالار زن ضعیف و ناتوان و چیزی جز یک کالای جنسی نیست و وظیفه‌اش ارضای مرد و "بچه‌داری" است و به قول جناب اردوغان طبیعتاً "نمی‌تواند" برابر مرد باشد. این‌ها همه جوهر ضد زن و اساس نابرابری و ستم‌کشی زن در تمام مکاتب اسلامی و همه مذاهب است. دیدگاهی که از عقب‌مانده‌ترین دوران باستان وجود داشته و امروز برای به قهقرا بردن کل جوامع بشری به بهترین شکل در خدمت نظام‌های سرمایه‌داری حاکم است. این تفکر و این نگاه اساس قوانین ضد زن در ایران، در افغانستان، پاکستان، عربستان و همه کشورهای اسلامی است.

سخنان اردوغان در این کشور با موجی از خشم و اعتراض روبرو شده است و

سوم آذرماه رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در کنفرانسی بر سر موضوع حقوق زنان، طی سخنانی اعلام داشت که زن و مرد برابر نیستند و برابری زن و مرد با طبیعت در تضاد است. او سپس با تأکید بر وظیفه "مادری" زنان و حقوق مادر از دیدگاه اسلام، بر اینکه زنان باید چه تعداد فرزند داشته باشند، فتوایش را داده و می‌گوید هر زن باید سه فرزند داشته باشد.

این همان اسلامی است که امثال بی‌بی‌سی و رسانه‌های فارسی‌زبان دولت‌های غربی، آن را "اسلام مدرن و میانه" می‌خوانند. هرکس می‌تواند بفهمد که اگر این جناب آخوند اردوغان قدرت داشته باشد و توازن قوا به او اجازه دهد، با احادیث و قوانین ارتجاعی اسلام چه بلایی سر زنان و همه

رهبران است، بر سرکار آمد و نیز هنگامی که مرسی رهبر اخوان المسلمین رئیس جمهور مصر شد، بلندگوهای تبلیغاتی غرب و بسیاری از رسانه‌هایشان، این جریان را که همسوی سیاست‌های خود می‌دانستند، مدرن و "میان‌رو" خواندند تا آن‌ها را در انظار مردم مقبول جلوه بدهند؛ و ما همان موقع اعلام کردیم که اسلام میان‌رو تفاوتی ماهوی با شاخه‌های اسلامی تروریسم چون ایران و حماس و طالبانی و غیره ندارد. بلکه این‌ها اساساً بخش‌هایی از جریانات اسلامی هستند که در مقابل مردم و نیروی مدرن و سکولار به سنگر "میان‌روی" پناه برده و عقب نشسته‌اند.

اتفاقی که هم‌اکنون در ترکیه شاهدش هستیم، سخنانی از نوع آنچه اردوغان و دیگر مقامات دولتی این کشور در مورد زنان، به لب می‌آورند، جوهر این حقیقت را به روشنی در مقابل چشم همان می‌گذارد. این روندی است که خیلی زود در ترکیه شروع شد و در مصر نیز به قیام مردم علیه اخوان المسلمین و بیرون راندن مرسی منتهی شد. همین امروز دولت ترکیه را می‌بینیم که آشکارا کنار جریان به‌غایت ارتجاعی و هار اسلامی مثل داعش قرار دارد و به‌طور مثال در برابر حمله این جانیان جنایتکار و وحشی، به مردم شهر کوبانی سوریه، مرزهایشان را به روی این مردم بستند و در این جنایت همراه داعش شدند.

یک خواست مهم مردم در تمام کشورهایی که تحت سلطه جریانات اسلامی هستند و یا سایه اسلام و مذهب بر سر جامعه سنگینی می‌کند، جدایی مذهب از دولت و کوتاه شدن دست آن از زندگی مردم است. یک نمونه آشکار آن ایران است که جنگی هرروزه بین مردم و قوانین ارتجاعی اسلامی در جریان است و یک جبهه مهم آن حجاب‌برگیران است و کشور ترکیه نمونه دیگر آن است. یک شرط رهای زن در تمام این جوامع لغو همه قوانین ارتجاعی اسلامی ضد زن است. بشریت برای دستیابی به آزادی و برابری و رفاه، باید خود را از توحش و تحجر اسلامی و مذهبی رها کند و با قطعیت می‌توان گفت که دوره یکه‌تازی مذاهب و تعرض به مردان و زنان گذشته است و این‌ها جایشان در زباله‌دان تاریخ است.*

مدافعان حقوق زن در استانبول و آنکارا فراخوان به اجتماعات اعتراضی داده‌اند. این سخنان حتی با عکس‌العمل نهادهای مقامات حکومتی روبرو شده و فدراسیون اتحادیه‌های زنان ترکیه نیز سخنان اردوغان را تخطی از قانون اساسی این کشور و توافقات بین‌المللی خوانده است. مبارزه علیه قوانین ارتجاعی ضد زن و برای برابری زن و مرد یک عرصه مهم مبارزه مردم در کشور ترکیه است. طی گزارشی منتشرشده در سایت‌های خبری، سیفنا سومونچ اوغلو، هماهنگ‌کننده سازمان‌های زنان ترکیه از شمار بسیار قتل‌های ناموسی در این کشور و اینکه در بسیاری بخش‌ها حقوق زنان سلب شده و طبق رده‌بندی همایش اقتصادی جهان در مورد رفتار نابرابر جنسیتی، ترکیه در جایگاه پایینی قرار دارد، سخن می‌گوید. او می‌گوید: "شکاف بزرگی بین مردان و زنان در کل، از مکاتب گرفته تا جاده‌ها و محل کار و پارلمان وجود دارد."

در برابر این وضعیت در ترکیه جنبشی رادیکال، سکولار و قدرتمند برای رهایی زن جریان دارد. از همین رو گفته‌های اخیر اردوغان علیه برابری زن و مرد با عکس‌العملی سریع و اعتراض در جامعه پاسخ گرفت.

قبلاً نیز بولنت (Bulent Arinc) آریک یکی از مؤسسان حزب عدالت و توسعه، یکی از معاونان نخست‌وزیر ترکیه در سخنرانی "عید فطر" سال گذشته گفته بود: "زن باید عفت داشته باشد. زنان نباید در ملاء عام بخندند و باید ارزش‌های اخلاقی را رعایت کنند..." و سخنان این وزیر مرتجع اسلامی با آن چنان اعتراضی روبه‌رو شد که "خنده آنلاین"، به کمپینی پرسروصدا در شبکه‌های اجتماعی تبدیل شد. در همین رابطه دختران و پسران جوان این کشور با فراخوان دادن به راهپیمایی و اعتراض آن چنان محکم در برابر بی‌حرمتی این مقام دولتی ایستادند که او با گفتن اینکه روی سخنش فقط زنان نبوده بلکه مردان نیز هستند و اینکه چرا از یک ساعت و نیم صبحت او فقط یک نکته چنین برجسته شده است، سعی کرد عقب بنشیند و خود را از زیر هجوم اعتراضی مردم خارج کند.

همان‌گونه که اشاره شد وقتی حزب "عدالت و توسعه" که اردوغان یکی از

به امید روزی که جنسیت، معیار ارزش‌گذاری انسان نباشد!



zaneazad10@gmail.com

sahand.motlagh@gmail.com

milad.rabei@gmail.com

سررئیس: لیلا یوسف
همکاران سررئیس: سهند مطلق
فیلا رابعر

زن آزاد

نشریه هفتگنر - جنبش برابر رهاش زن